

## تحليل حقوقى :

هرمز در مشت ايران؛ جدال حقوقى و راهبردى بر سر

مهمترين گلوگاه انرژى جهان  
حقوق بين الملل چه مى گويد ؟

نويسنده:

محمود رشنواز

دانشجوى دكتورى حقوق بين الملل ، واحد امارات ،  
دانشگاه آزاد اسلامى ، دبي ، امارات

(عضو مركز و كلا ، كارشناسان رسمى و مشاوران خانواده قوه قضايه)

۱۴۰۵/۰۱/۲۴



در تمام سال‌هایی که زمزمه‌های جنگ و گزینه‌های نظامی علیه ایران توسط آمریکا و برخی از کشورهای دیگر مطرح می‌شد، عموماً یکی از موارد دفاعی مورد استناد ایران، بستن و انسداد تنگه هرمز بوده است. این موضوع با اما و اگرهایی مطرح می‌شد و حتی برخی از تحلیل‌گران داخلی در خصوص امکان انجام این مسئله هم از جنبه‌ی فنی و هم حقوقی اظهار تردید می‌کردند. از سوی دیگر به جهت تبعات اقتصادی و سیاسی این مسئله، امکان تحقق این امر دور از ذهن به نظر می‌رسید. این تردیدها و انتظارات با شروع جنگ رمضان، تجاوز امریکائی - صهیونی علیه ایران پایان یافت و نیروهای نظامی ایران، به تمام دنیا و تحلیل‌گران ثابت کردند که ادعای آن‌ها، مبتنی بر واقعیت بوده و نه تنها می‌توانند کنترل تنگه را در کوتاه مدت در اختیار داشته باشند بلکه توان استمرار این وضعیت نیز برای آنان مقدور است، حتی تهدیدات وحشیانه و تجاوزات غیرقانونی و جنایات جنگی متجاوزین نیز منجر نشد، ایران از این سلاح کارساز خود دست بردارد. حال باید دید که از منظر حقوق و مقررات بین‌المللی و رژیم حقوقی حاکم بر این آبراه بین‌المللی، این اقدام ایران و تهدید آمریکا به اقدام متقابل چه وضعیتی دارد؟

شاید یکی از مترقی‌ترین و البته اجرائی‌ترین شاخه‌های حقوق بین‌الملل، حقوق دریاهاست، این شاخه از حقوق به تنظیم رفت و آمد در دریاها، آبراه‌های بین‌المللی، ماهی‌گیری و استفاده از منابع دریاها و دیگر امور مربوطه می‌پردازد، حقوق دریاها توانسته است با مقررات موضوعه و عرفی ایجاد شده، این صحنه‌ی بزرگ را مدیریت نماید. مهم‌ترین کنوانسیون‌های مرتبط با حقوق دریاها، کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو و ۱۹۸۲ حقوق دریاهاست که با عنوان قانون اساسی دریاها از آن یاد می‌شود. این کنوانسیون به عنوان یک معاهده‌ی قانون‌ساز تضمین‌کننده‌ی قواعد کلی و جزئی در خصوص دریاهاست. این سند بین‌المللی که دارای جنبه‌ی حاکمیتی می‌باشد، روابط دولت‌ها را در عرصه‌ی آب‌ها تنظیم می‌کند ولی تمام‌کننده‌ی مسائل و چالش‌های حقوق دریاها محسوب نمی‌شود. ایجاد مسائل جدید از جمله اقدامات نظامی کشورها، مسائل مربوط به محیط زیست، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، موجب شده است نیاز جدی و اساسی به پویایی و تحرکات لازم در این حوزه وجود داشته باشد.

یکی از موضوعات مهم و مورد توجه حقوق دریاها، مربوط به آبراه‌های بین‌المللی است. به راه‌های ارتباطی آبی، آبراه‌های بین‌المللی گفته می‌شود که به سه دسته رودخانه‌های بین‌المللی، تنگه‌های بین‌المللی و کانال‌های بین‌المللی تقسیم می‌شوند. این آبراه‌ها بدان جهت که مورد استفاده کشتی رانی قرار می‌گیرند، از اهمیت بالایی برخوردار هستند. تنگه به شاخه‌ای از دریا گفته می‌شود که بین دو خشکی واقع شده است و دو دریا را به هم متصل می‌کند. تنگه‌های بین‌المللی به موجب بند ۴ ماده‌ی ۱۶ عهدنامه‌ی ۱۹۵۸ به این شکل تعریف شده است: تنگه‌هایی که برای کشتیرانی بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته و بخشی از دریای آزاد را به بخش دیگری از دریای آزاد و یا به دریای سرزمینی کشور دیگر مرتبط می‌سازد تنگه‌های بین‌المللی گفته می‌شود. با این اوصاف تنگه‌ی هرمز در جایگاه تنگه‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد و بایسته است قواعد موضوعه

و عرفی حقوق دریاها با در نظر گرفتن منافع دولت‌های مجاور بر این آبراه حاکم باشد. این آبراه بین‌المللی برای کشتیرانی تجاری یا نظامی کشورها به غیر از کشورهای اطراف مورد استفاده قرار می‌گیرند.

رژیم حقوقی حاکم بر تنگه‌ی هرمز و به طور کلی تمامی آبراهه‌های بین‌المللی در تعارض با دو موضوع بایستی بررسی و تعیین شود، اول منافع کشورهای مجاور تنگه و دوم حق تردد سایر کشورها و به رسمیت شناخت حق کشتیرانی و تجارت دریائی برای کشورهای غیر عضو، در واقع اجرای هر گونه رژیم حقوقی در تنگه‌ی هرمز باید با لحاظ منافع هر دو گروه کشورهای مجاوز و غیرمجاور و عبوری تعیین گردد.

در اهمیت تنگه‌ی هرمز از جهت آنکه معبری برای تردد ۲۰۰۰۰ کشتی در سال بوده و بیش از ۲۰ درصد نفت جهان از این آبراه عبور می‌کند، نمی‌توان تردید کرد، البته که این اهمیت برای کشورهای مجاور باعث در دسرهایی شده است و امنیت منطقه را دستخوش طمع‌کاری چپاول‌گران در تاریخ قرار داده است. دو کشور ایران و عمان در مجاورت این تنگه قرار دارند و از این بین به جهت آنکه شش جزیره استراتژیک ایران در منطقه ورودی خلیج فارس (هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی) به روی یک خط منحنی فرضی دفاعی قرار گرفته‌اند دارای موقعیتی خاص از جهت مجاورت و امکان کنترل بر تنگه می‌باشد. ایران یک بازیگر مهم در خلیج فارس است و ایجاد هر گونه رژیم حقوقی ایمن در این منطقه منوط به همکاری ایران و البته در نظر گرفتن منافع آن است. ایران در طی سالیان طولانی و البته در سال‌هایی که تحت شدیدترین فشارهای بین‌المللی از جهت اقتصادی و سیاسی قرار داشته است، همچنان به اصول و قواعد بین‌المللی در شناخت حق عبور و کشتیرانی کشورهای غیرمجاور احترام گذاشته است، امنیت تنگه را برای عبور و مرور تجاری تامین کرده و مشکلی در این موضوع نه برای کشورهای مجاور خلیج و نه سایرین ایجاد نکرده است.

تنگه‌ی هرمز به دلیل موقعیت خاص جغرافیائی خود و ارتباطی که بین کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس با آب‌های آزاد ایجاد می‌کند، برای تمامی کشورهای منطقه از اهمیت حیاتی برخوردار است ولی تنها در قلمرو حاکمیتی دو کشور ایران و عمان قرار دارد. رژیم حقوقی حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی تابع یک از این دو دسته قواعد است: عبور ترانزیت و عبور بی‌ضرر، هر کدام از این دسته قواعد، حقوقی برای کشور مجاور و غیرمجاور به رسمیت شناخته است که در روابط آن‌ها قابلیت اجرائی خواهد داشت. بر اساس مقررات کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو و همچنین عرف حاکم بر حقوق دریاها، رژیم حقوقی حاکم بر تنگه‌ی هرمز، رژیم عبور بی‌ضرر است. این موضوع در ماده ۳۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز به رسمیت شناخته شده و عنوان شده است: کنوانسیون حقوق دریاها بر نظام حقوقی تنگه‌هایی که عبور و مرور از آنها کلاً یا جزئاً بر اساس عهدنامه‌های خاص از مدت‌ها پیش معمول بوده و همواره مجراست خدشه‌ای وارد نخواهد کرد. حق عبور بی‌ضرر در مقابل عبور ترانزیت واجد مقررات ذیل است:

۱- دولت ساحلی حق ایجاد مانع برای ناوهای در حال عبور را دارد؛

۲- دولت ساحلی حق تعلیق حق عبور را در زمان صلح هم‌جنگ را دارد.

۳- در صورت نقض تعهدهای عبور بی ضرر توسط ناو در حال عبور از تنگه، دولت ساحلی حق اتخاذ تدابیری را دارد؛

۴- ناوهای در حال عبور متعهد به برافراشتن پرچم کشور متبوع خود هستند؛

این حقوق شناخته شده برای کشورهای مجاور تنگه در عبور ترانزیت وجود ندارد. مضافاً بر اینکه ایران در تنگه‌ی هرمز دارای آب‌های سرزمینی است. هرچند برخی معتقدند به استناد کنوانسیون حقوق دریاهای مصوب ۱۹۸۲، رژیم حقوقی حاکم بر تنگه‌ی هرمز مشمول عبور ترانزیت بوده و حقوق ایران در این شیوه، کاهش می‌یابد ولی به استناد کنوانسیون ۱۹۵۸ و به جهت عدم پذیرش کنوانسیون ۱۹۸۲ توسط ایران، رژیم حقوقی فعلی حاکم بر تنگه‌ی هرمز همان عبور بی‌ضرر است که ایران را قادر می‌سازد کنترل خود بر تنگه را بخصوص در دوران جنگ افزایش دهد و هر گونه اقدامی در جهت تعلیق عبور کشتی‌ها و جلوگیری از تردد آن‌ها مبتنی بر قانون و عرف بین‌المللی خواهد بود.

علاوه بر مقررات صریح حقوق دریاهای در این زمینه، می‌توان گفت ایران به جهت برخورداری از آب‌های سرزمینی در تنگه‌ی هرمز از این حقوق بهره‌مند است و می‌تواند مواقع اضطرار و تهدید نظامی، از آن‌ها استفاده کند. اصل مهم دیگری که در حقوق بین‌الملل و در پیروی از قواعد پیش‌گفته می‌تواند موید حقوق ایران در انسداد تنگه و کنترل عبور و مرور بخصوص در زمان جنگ باشد، اصل حاکمیت ملی دولت‌هاست. این اصل به عنوان یکی از اصول مهم و شناخته شده در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. بر اساس آن دولت‌ها حق دارند با در نظر گرفتن منافع ملی خود نسبت به سرزمین خاکی و آبی خود تصمیمات مبتنی بر قانون اتخاذ نمایند. چنانکه سخنگوی وزارت خارجه‌ی ایران در پیامی که در پاسخ به اظهارات رهبران جهان نسبت به گرانی بنزین انجام شده بود، بیان داشت که دنیا به فکر هزینه‌ی سوخت است و ما در اندیشه‌ی حفظ جان مردم ایران، مسلماً حفظ جان ایرانیان و البته غیرنظامیان که در خطر تجاوزات وحشیانه و مغول‌وار آمریکائی - صهیونی قرار دارد، به عنوان منافع ملی محسوب می‌شود و بر دیگر مرجحات اقتصادی و سیاسی سایر کشورهای غیرمجاور برتری دارد که خود عامل موجهه در کنترل تنگه‌ی هرمز می‌تواند قرار گیرد.

به استناد قواعد حاکم بر عبور بی‌ضرر و حقوق ایران به جهت برخورداری از آب‌های سرزمینی مجاور جزایر ششگانه و با در نظر گرفتن اصل حاکمیت ملی ایران این حق را برای خود قائل شده است که در صورتی که منافع ملی خود را در خطر ببیند و امنیت منطقه و خط ساحلی را در معرض تعرض و تجاوز بداند، نسبت به کنترل عبور و مرور بر تنگه اقدام نماید. تعبیر انسداد و بستن تنگه در رابطه با اقدامات اخیر ایران در جنگ رمضان البته تعبیری کاملاً مبتنی بر واقعیت نیست چرا که این اقدامات موقتی بوده و هر زمان با اراده‌ی ایران بازگشت پذیر است مضافاً بر اینکه این انسداد کامل نبوده و برخی از کشتی‌ها امکان تردد با رایزنی و ایجاد اعتماد را دارند. بر اساس نظام عبور بی‌ضرر که حاکم بر تنگه هرمز است، حتی در زمان صلح و شرایط عادی نیز ایران می‌تواند از عبور کشتی‌های جنگی و جاسوسی جلوگیری کند. در واقع اقدام ایران در کنترل بر تنگه‌ی هرمز، مبتنی بر حسن نیت بوده و تنها خواسته‌ی مطرح شده، توقف تجاوز، کشتار و تخریب زیرساخت‌هایی

است که در حال حاضر به یک جنایت جنگی تبدیل شده است، حسن نیت ایران از آن جا قابل استنباط است که هیچ گونه زیاده خواهی در قبال این کنترل مشاهده نمی شود. حق انسداد و هرگونه کنترل دیگر بر تنگه به وضوح در کنوانسیون ۱۹۵۸ که ایران بدان پیوسته است در زمانی که یکی از کشورهای مجاور با تنگه با کشور ثالثی در حال جنگ باشد، برای این کشور وجود خواهد داشت.

در سال های اخیر دولت آمریکا تلاش های فراوانی برای ایجاد یک اتحادیه ی منطقه ای نموده است تا بتواند کنترل این تنگه را از اختیار کشورهای همجوار خارج نماید، مسلماً اهداف اقتصادی و نظامی در پس این تصمیم قرار دارد. با توجه به اینکه این ائتلاف نیاز به مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد مبتنی بر ماده ۵۲ منشور ملل متحد دارد، در چهل و نهمین روز از جنگ رمضان، با پیشنهاد بحرین، این موضوع در شورای امنیت مطرح شد که با وتوی چین و روسیه، تصویب نشد و طرح آمریکائی ارائه شده ناکام ماند. هرچند این پیشنهاد از سوی کشورهای حاشیه ی خلیج فارس ارائه شد ولی کاملاً مشخص بود که اداره ی این ائتلاف در اختیار نیروهای نظامی آمریکائی قرار خواهد گرفت. از آنجا که ماده ۵۲ منشور سازمان ملل تاسیس سازمان های منطقه ای برای حفظ صلح و امنیت بین المللی را مجاز می داند، کلمه منطقه ای به خودی خود نشان دهنده حضور اشتباه آمریکا در این ائتلاف می باشد زیرا واضح و روشن است که آمریکا دولتی منطقه ای نیست و نباید در این ائتلافات منطقه ای شرکت کند. بنابراین در اولین اقدام قانونی نیز، نمی توان جایی برای حضور آمریکا در این ائتلاف در نظر گرفت. از سوی دیگر اقدام نظامی منطقه ای بدون مجوز شورای امنیت نیز قانونی نمی باشد چنانکه ماده ۵۳ منشور این را هم مقرر می دارد که «هیچگونه عملیات اجرایی به موجب قراردادهای منطقه ای یا توسط موسسات منطقه ای بدون اجازه شورای امنیت» متصور نیست. حضور غیرقانونی آمریکا در منطقه به وضوح موجب به خطر افتادن امنیت منطقه و منافع ملی کشورهای حوزه ی خلیج فارس شده است، ایجاد پایگاه های نظامی، استقرار کشتی های نظامی، ناو و ناو شکن، موقعیت امنیتی و نظامی را ایجاد کرده است. حال دولت آمریکا تهدید کرده است به محاصره ی تنگه ی هرمز، این تهدید البته بدون کسب مجوز شورای امنیت صورت می گیرد، حضور آمریکا در منطقه مبتنی بر قانون نیست و از سوی دیگر انسداد تنگه توسط کشوری ثالث، کاملاً غیرقانونی است، این در حالی است که آمریکا ایران را متهم می کند حق عبور ترانزیت کشتی ها را باید به رسمیت بشناسد، ایران کشور همجوار است و آمریکا ثالث محسوب می شود ولی خود را محق به انسداد تنگه می داند حتی با وجود مخالفت شورای امنیت با این اقدام، غیر قانونی بودن این اقدام کاملاً آشکار است.

با توجه به اینکه حضور آمریکا در منطقه عمدتاً با کشتی های نظامی است و ایران نیز دارای آب های سرزمینی به جهت طول سواحل و جزایر شش گانه می باشد، به استناد ۳۰ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ اگر کشتی نظامی مقررات را رعایت نکند و یا به درخواست رعایت از سوی کشور ساحلی توجه نکند، کشور ساحلی میتواند از آن بخواهد که فوراً دریای سرزمینی را ترک کند. به استناد ماده ۳۱ نیز اگر خساراتی ناشی از نقض قواعد متوجه کشور ساحلی شود، کشور صاحب پرچم مسئولیت بین المللی خواهد داشت.

حضور آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس، بخصوص در حال حاضر که با انگیزه‌ی محاصره‌ی تنگه‌ی هرمز نیز مطرح شده است می‌تواند ناقض بسیاری دیگر از حقوق و تکلیف بین‌المللی این دولت باشد که در ارتباط مستقیم با حقوق دریاها قرار دارند یا به عنوان سایر تکالیف حقوقی مانند حقوق بشر قابل تعریف هستند. حضور آمریکا در این منطقه صرفاً ناقض قواعد حقوق دریاها نیست، بلکه تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه است، تجاوز غیرقانونی این دولت به ایران، ناقض حقوق بشردوستانه بوده و جنایات جنگی را محقق کرده است. حق حیات ایرانیان در معرض تهدید قرار گرفته و منافع ملی و امنیتی ایران نقض شده است. این موضوع مورد توجه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها قرار گرفته است چنانکه در آرای سال ۱۹۹۹ و ۲۰۱۵ اعلام داشت: ملاحظات انسان‌دوستانه در حقوق دریاها همانند سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل باید اجرا گردد. حضور آمریکا، محاصره‌ی تنگه‌ی هرمز می‌تواند خطرات جدی برای اقتصاد جهانی داشته باشد. دیوان اروپایی حقوق بشر، آزادی دریاها را در کنار سایر تعهدات حقوق بین‌الملل بویژه حقوق بشر مورد توجه قرارداد و چنین تفسیر کرد که آزادی در دریاها به معنای بی‌قانونی آن نیست. دیوان در پرونده‌ی مدودیو علیه فرانسه (۲۰۱۰) عنوان داشت: ماهیت خاصی که بر عرصه‌ی دریاها حاکم است نمی‌تواند واجد فضای بی‌قانونی باشد. دیوان اروپایی حقوق بشر، اصول حقوق دریاها از جمله حق عبور ترانزیت و بی‌ضرر را در کنار سایر قواعد حقوق بین‌الملل قابل تفسیر می‌داند. این آزادی نمی‌تواند عامل به خطر افتادن حق حیات و حاکمیت سرزمینی کشورها شود. با این اوصاف و با تاکید بر حق ذاتی و مشروع ایران در دفاع از منافع ملی و حق حیات اتباع خود و با عنایت به حسن نیت ایران در کنترل عبور و مرور تنگه‌ی هرمز، اقدامات ایران مبتنی بر قانون و قواعد بین‌المللی است، از سوی دیگر هرگونه استمرار و توسعه‌ی حضور آمریکا در تنگه‌ی هرمز می‌تواند منافع کشورهای منطقه و حتی جهان را تهدید کند، چه اینکه این حضور با رای منفی شورای امنیت نیز به شکلی واضح، فاقد مبنای قانونی می‌باشد.



**Legal analysis :**

**Hormuz in Iran's Fist; Legal and Strategic  
Struggle over the World's Most Important  
Energy Bottleneck**

**What Does International Law Say?**

**The writer :**

**Mahmoud Rashnavaz**

**Doctoral student of International Law,  
Emirates Branch, Islamic Azad University,  
Dubai, UAE**

**member of the center of lawyers, official  
experts and consultants of the judiciary**

**۲۰۲۶/۰۴/۱۴**